نشریه علمی تخصصی شباک
سال پنجم، شماره ۴۹، دی ۱۳۹۸
ISSN: 2476-3667

اثر یکپارچه‌کردن مدیریت ریسک بر راهبردها و حاکمیت شرکتی (مطالعه موردی در شرکت های بیمه پاسارگاد)

رسول کمالی خانقاه [۱]

چکـیده

نظارت بر بیمه در همه کشورها با هدف توسعه و تکامل کارکردهای بیمه و حفظ سلامت بازار بیمه صورت می گیرد. البته نحوه و حیطه اعمال نظارت در هر کشوری با توجه به مقتضیات زمان و سازوکارهای قانونی و متناسب با فرایند توسعه ملی هر کشور متفاوت است. جایگاه و نقش بیمه در ایجاد امنیت و تداوم فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی و رفاه عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از این رو در پژوهش حاضر به بررسی اثر یکپارچه کردن مدیریت ریسک بر راهبردها و حاکمیت شرکتی (مطالعه موردی در شرکت‌های بیمه پاسارگاد) پرداخته شده است. نتایج بدست آمده از یافته ها حاکی از این امر است که به منظور اعمال کنترل و مدیریت ریسک پیش رو در شرکت های بیمه توجه به ساده سازی فرایندهای پیچیده می‌باشد که این امر اطمینان بخشی و اعمال کنترل های مربوط توسط حسابرسان و سایر ذینفعان را حسب مسئولیت های موجود دقیق تر و اجرایی تر می نماید.

واژگـان کلـیدی: شرکت بیمه، حاکمیت شرکت، راهبری شرکت، مدیریت ریسک

۱- کارشناسی حسابداری، دانشگاه علوم اقتصادی؛ *r.kamali.khanghah@iran.ir*

www.SID.ir

۱- مقدمه

تحولات و رویدادهای اخیر در سطح جهان، به ویژه بحران های مالی جهانی، علاقه به تمرکز بر موضوع ریسک و ماهیت ابزارها و سامانه های عملیاتی مدیریت ریسک را افزایش داده است .افزایش بیش از حد تقلب در شرکت ها و رسوایی های ناشی از کشف آنها در دهه های اخیر نیاز به استفاده از سازوکارهای نظام راهبر و توجه به حاکمیت شرکتی را بیش از پیش ضروری ساخته است. در این میان یکی از حوزه هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است به کارگیری ابزارهای نوین مدیریت ریسک استراتژیک توسط هیئت مدیره در برنامه ریزی ها و اداره امور شرکت های بیمه است. ازآنجایی که استقرار روش های بهینه ی مدیریت ریسک و بهره برداری از ابزارهای مدیریت ریسک و نظام راهبری سازمانی نقش ارزنده ای در کنترل راهبردهای بنگاه و موفقیت کوتاه و بلندمدت آن دارند.

فرآیند مدیریت استراتژیک شامل تلفیق مزیت استراتژیک با محیط کسب وکارسازمان است. در شرکت های بیمه ای باتوجه به رسالت آنها مبنی بر مدیریت ریسک های مشتریان، سازمان و محیط جهت دستیابی به سودآوری، این فرآیند در قالب مدیریت ریسک استراتژیک متبلور می شود .حضور در بازار بیمه با عنایت به شرایط فعلی بازار بیمه مستلزم برنامه ریزی جامع و ایجاد نگرش استراتژیک به مدیریت ریسک می باشد .باتوجه به افزایش سهم دارایی های فکری در دارایی های شرکت های بیمه و ظهور ریسک های تازه و لزوم مقابله با ریسک های متنوع ازجمله ریسک فرآیند سازمان، ریسک اعتباری، ریسک دارایی های فکری)(سرمایه های انسانی، سرمایه های اطلاعاتی، حق امتیاز، علائم تجاری و سایر) استفاده از ریسک جامع توسط هیئت مدیره شرکت های بیمه بسیار ضروری به نظرمی رسد.(ترشیزی و بزاززاده، ۱۳۹۷)

حاکمیت شرکتی در سال های اخیر، نظر عده زیادی را به خود جلب کرده است. علت این امر توجه به سلامت اقتصادی جامعه و به طور اخص واحدهای تجاری است، به خصوص اینکه افزایش بیش از حد تقلب در شرکت ها و رسوایی های ناشی از کشف آنها در دهه های اخیر نیاز به استفاده از سازوکارهای نظام راهبری سازمانی را بیش از پیش ضروری ساخته است. ازسوی دیگر اجرای نظام حاکمیت شرکتی می تواند موجب تخصیص بهینه منابع و بهبود شفافیت اطلاعات مالی منتشرشده در بازار و درنهایت رشد توسعه اقتصادی شود.

شرکت های بیمه از مؤسساتی هستند که لزوم رعایت اصول حاکمیت شرکتی در آنها انکارناپذیر است. تلفیق اصول اصلی حاکمیت شرکتی با مدیریت ریسک بنگاه در رابطه با عملیات بیمه گری شرکت های بیمه و استقرار ابزارهای نوین مدیریت ریسک استراتژیک، باتوجه به اینکه شرکت های بیمه بیش از سایر شرکت ها در معرض خطر قراردارند، در هدایت و اداره امور بهینه و افزایش کارایی و بازده شرکت های بیمه نقش تعیین کننده ای دارد. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی اثر یکپارچه کردن مدیریت ریسک بر راهبردها و حاکمیت شرکتی پرداخته شده است.

۲- مفهوم ریسک

ریسک در زبان عرف عبارت است از خطری که به علت عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه ای در آینده پیش می آید و هر چه قدر این عدم اطمینان بیشتر باشد اصطلاحا گفته می شود ریسک زیادتر است. فرهنگ لغات سرمایه گذاری هیلدرس[1](۱۹۸۸)ریسک را زیان بالقوه سرمایه گذاری که قابل محاسبه است می داند.

از تعاریفی که کامل ترین تعاریف ریسک به حساب می آید توسط دامونداران[2] (۲۰۰۰) ارائه شده است چرا که نه تنها دنیای سرمایه گذاری بلکه جهان طبیعت و تهدیدات و فرصتها را در کنار یکدیگر قرار داده است او ریسک را « خطر و فرصت » تعریف می کند.گالیتز [3](۱۹۹۶)ریسک را هر گونه نوسان در عایدی می داند. هیوب[4](۱۹۹۸) ریسک را احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می کند. گلیب[5] (۲۰۰۲) می گوید: هر پدیده ای که بتواند نتیجه حاصل از آنچه سرمایه گذار انتظار دارد را منحرف سازد ریسک نامیده می شود(سوره، ۲۰۱۷).

اولین بار هری مارکوئیتز، بر اساس تعاریف کمی ارائه شده، شاخص عددی برای ریسک معرفی کرد. وی ریسک را انحراف معیار چند دوره ای یک متغیر تعریف کرد.

می توان بر اساس تعاریف ریسک دو دیدگاه ارائه کرد(راعی و سعیدی، ۱۳۸۷):

دیدگاه اول: ریسک به عنوان هر گونه نوسانات احتمالی بازدهی اقتصاد در آینده

1 Hildreth
2 Damondaran
3 Galitz
4 Hube
5 Glib

www.SID.ir

۳-بررسی انواع ریسک

ساختار مالی موسسات و سازمانها، با توجه به حوزه عملکرد و مدیریت شان، یا ریسک های خاصی مواجه است و تغییرات مداوم و ناگهانی در رفتار اقتصادی افراد و نوع پنداشت سرمایه گذاران، عوامل محیطی و توسعه فعالیتهای اقتصادی بر مبحث مدیریت ریسک تاثیر گذار خواهد بود و استفاده از ابزارهای مناسب جهت اندازه گیری و کنترل ریسک هایی که اثرات نقدی دارند و در محدوده کنترل مدیریت هستند اهمیت ویژه ای یافته است. و هر مدیری در هر حوزه ای که مشغول به کار باشد، باید بتواند ریسک های موجود در حوزه کاری خود را مدیریت کند، اما آنچه به بازار سرمایه مربوط می شود، مدیریت ریسک شرکتهای سرمایه گذاری است که پرتفوی نگهداری می کنند. تصمیم به موقع مدیران می تواند اثر مستقیمی روی ارزش دارایی های سهامداران شرکت داشته باشد(حاجی آقایی، ۱۳۸۶).

به عقیده پارکر [1](۱۹۹۵) ریسک به دو قسمت کلی تقسیم می شود:

قسمت اول ریسک مربوط به بازار سرمایه است که در این حالت با توجه به ماهیت مالی متغیر ها، روش های مدیریت ریسک برای کنترل آنها اعمال می گردد.در کنار ریسک بازار سرمایه (ریسک مالی)، ریسک بازار محصول (ریسک غیر مالی) در قسمت دوم قرار می گیرد، که شامل انواع ریسک در سطوح عملیاتی می شود.

کلیه این ریسک ها با یکدیگر در ارتباط هستند و برای مطالعه ریسک در یک سازمان، باید تمامی این ریسک ها و تاثیر آنها سنجیده شود.

علاوه بر این جوریون[2] (۱۹۹۷) ریسک را به سه گروه ذیل قابل تقسیم می داند:

الف) ریسک تجاری یا ریسک کسب و کار:

ریسک خاص یک صنعت یا شرکت، به عنوان مثال: نو آوری های تکنولوژیکی طراحی محصول و بازاریابی.

ریسک تجاری عدم قطعیت درآمدهای شرکت به دلیل تغییر شرایط صنعت می باشد. محاسبه این ریسک از نسبت انحراف معیار سود عملیاتی بر میانگین آن محاسبه می شود.

ب) ریسک استرتژیک:

ریسک های ناشی از تغییرات بنیادی در محیط اقتصادی یا سیاسی.

ج) ریسک مالی: ریسک های مرتبط با زیان های محتمل در بازارهای مالی، مثلا تغییر در نرخ بهره یا نرخ ارز.

یک راه منطقی برای تقسیم ریسک کلی به اجزای تشکیل دهنده آن، تمایز میان اجزای کلی (بازار) و اجزای خاص (اوراق خاص) است. تجزیه و تحلیل گران مجموع دو نوع ریسک غیر قابل کنترل (سیستماتیک) و ریسک قابل کنترل (غیر سیستماتیک) را ریسک کل می دانند(پنی و واهاما، ۲۰۱۲).

۳-۱-ریسک سیستماتیک

ریسکی کاهش ناپذیر، غیر قابل کنترل و تابع عوامل برون سازمانی و زائیده تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط بازار سرمایه است و در برگیرنده ریسک های تورم، بازار و نرخ بهره است. بیشتر سهام ها و اوراق بهادار بدون توجه به رفتار یک سرمایه گذار خاص تحت تاثیر این ریسک قرار می گیرند و این تغییرات برای کلیه سرمایه گذاران بحران ساز است(بری گام، ۱۳۸۴).

۳-۲- ریسک غیر سیستماتیک

ریسکی کاهش پذیر، قابل کنترل و تابع عوامل درون سازمانی و در برگیرنده ریسک های تجاری، مالی و نقدینگی است. اگر چه اوراق تا حدی از ریسک غیر سیستماتیک برخوردار هستند ولی سهام عادی بیشتر با این نوع ریسک مرتبط است و با ایجاد تنوع سازی و پرتفوی می توان این ریسک را کاهش داد(بقایی، ۱۳۸۰).

۳-۳-تعریف تضمین کیفیت آموزشی

اصطلاح کیفیت آموزشی محصول جنبی ارزش‌های ذهنی افراد است. سازمان جهانی استاندارد، کیفیت را مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات یک فراورده یا خدمتی که بیانگر توانایی آن در برآوردن خواسته‌های بیان شده یا اشاره شده باشد می‌داند.(بازرگان، ۱۳۸۱)

[1] Parker

[2] Jorion

www.SID.ir

۴- مدیریت ریسک یکپارچه (ERM)

طبق تعریف کوزو1996 (coso) ، مدیریت ریسک یکپارچه به صورت زیر تعریف می شود: «فرآیندی سیستماتیک در نظام کنترل داخلی که به منظور اطمینان از اجرای خط مشی های هیات مدیره، کمک به محقق شدن اهداف شرکت و محافظت از دارایی ها و ثروت سهامداران و سازمان شکل می گیرد .هدف این فرآیند، مدیریت و کنترل یکپارچه ریسک های سازمان است. این فرآیند، روابط متقابل بین ریسک ها را در نظر می گیرد و منعکس کننده ماهیت ریسک است که مرزهای مصنوعی سازمان را بر نمی تابد. به علاوه، این فرآیند به طور مداوم بازبینی می شود تا اصلاحات لازم در آن اعمال شود».

بنابراین، به طور خلاصه می توان گفت که ERM چهارچوبی جامع، یکپارچه و مستقل از مدیریت ریسک های شرکت، به منظور حداکثر کردن ثروت سهامداران است و شامل اهداف ذیل می باشد(بارکت، ۲۰۱۰):

-ایجاد آمادگی مناسب در برابر تهدیدهای آتی و استفاده موثر از فرصت های پیش رو

-ارتقای سطح اطمینان معقول درباره تحقق اهداف شرکت

- ارتقای ثبات تصمیم ها و تسهیل در تصمیم سازی و تصمیم گیری در سطوح مختلف شرکت

-ایجاد ثبات در رشد ارزش حقوق صاحبان سهام و سایر ذینفعان شرکت.

-ساختار مدیریت ریسک یکپارچه

براساس سند (COSO 2013) مدیریت ریسک یکپارچه در قالب ماتریسی سه بعدی یا مکعبی با سه سطح به شرح زیر تعریف می شود که در این بخش شرح مختصری از هریک از ابعاد ارائه خواهد شد.

بعد اول: اهداف مدیریت ریسک یکپارچه، چارچوب مدیریت ریسک یکپارچه چهار دسته از اهداف راهبردی(استراتژیک)، عملیاتی، گزارشگری و تطبیق(رعایت) را در بر می گیرد. اهداف استراتژیک، در سطح بالاتری از سه هدف دیگر قرار دارد و می بایست در ماموریت و چشم انداز واحد، اهداف عملیاتی، گزارشگری و تطبیق سازمان لحاظ شود. این هدف بیانگر انتخاب مدیریت در خصوص نحوه ایجاد ارزش برای ذی نفعان می باشد.

بعد دوم: سطوح اجرای مدیریت ریسک در سازمان، ساختار یکپارچه مدیریت ریسک در سازمان می¬بایست چهار سطح کلان شامل واحد اقتصادی، بخش ها، واحدهای تجاری و واحدهای تابعه اجرا شود. این چهار سطح می تواند در ساختار سازمانی بانک ها شامل سطوح کل بانک، مناطق و ادارات، شعب و واحدهای تابعه تعریف شود.

بعد سوم: اجزای مدیریت ریسک واحد اقتصادی، مدیریت ریسک دارای هشت جزء به هم پیوسته (دربرگیرنده اجزای پنج گانه سیستم کنترل داخلی) به شرح زیر می باشد؛

محیط داخلی: نحوه نگرش و عملکرد مدیران ارشد و کارکنان نسبت به مقابله با تغییرات مخرب رویدادهای محیطی کسب و کار شرکت با حفظ پایبندی به درستکاری، ارزش های اخلاقی و رعایت قوانین و مقررات می باشد.

هدف گذاری: اهداف کلان شرکت باید بصورت کامل و شفاف مورد شناسایی و طبقه بندی قرار گیرند تا زمینه برای استقرار مدیریت ریسک یکپارچه فراهم گردد.

شناسایی رویدادها، کلیه رویدادهای داخلی و خارجی تاثیرگذار بر دستیابی به اهداف شرکت، باید بصورت دقیق و شفاف مورد شناسایی و طبقه بندی قرار بگیرند.

ارزیابی ریسک، ارزیابی ریسک به اندازه گیری میزان تاثیرگذاری هریک از رویدادهای مخرب بر دستیابی به اهداف کلان شرکت بصورت کمی شده مربوط می گردد.

واکنش به ریسک: مجموعه تدابیری که مدیریت ارشد و کارکنان جهت رویارویی و مقابله با ریسک های داخلی و خارجی در شرکت اتخاذ می نمایند.

فعالیت های کنترلی، تدوین و اجرای صحیح فعالیت¬های کنترلی نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن برنامه های مهارسازی ریسک ها دارند.

اطلاعات و ارتباطات: رویه ها و سیستم های شناسایی، گردآوری و اطلاع رسانی به موقع اطلاعات مرتبط با ریسک ها می باشد.

نظارت: شامل بازنگری دوره ای عملکرد و فرآیند مدیریت ریسک یکپارچه با هدف افزایش اثربخشی آن می باشد که این مهم بر عهده واحد حسابرسی داخلی می باشد.

۵-حاکمیت شرکت

www.SID.ir

در یک تعریف محدود، حاکمیت شرکتی مجموعه ای از قوانین و مقرراتی است که تضاد بالقوه بین مدیران و سهامداران را حل می کند. به ویژه برای بانکها که مالکان به منظور افزایش ارزش سهام خود، از استراتژیهای سرمایهای مخاطره آمیز حمایت می کنند(انجینر و همکاران، ۲۰۱۶). در تعریفی دیگر، حاکمیت شرکتی مدیریت تضاد بین تمامی ذینفعان سازمان است. این تعریف مبتنی بر تئوری ذینفعان است .براساس تئوری ذینفعان، هر فرد یا گروهی که بر عملکرد بنگاه تأثیر میگذارد یا از عملکرد بنگاه تأثیر می پذیرد، ذینفع محسوب میشود و مدیریت سازمان در تصمیم گیری های خود باید به منافع متضاد همه این گروهها توجه نماید(جنسن، ۲۰۰۱). حاکمیت شرکتی به مکانیسم هایی اشاره دارد که برای شناسایی مسائل نمایندگی و کنترل ریسکهای بنگاه به کار می رود(پنی و واهاما، ۲۰۱۲). بطور کلی تعاریف حاکمیت شرکتی در متون علمی دارای ویژگی‌های مشترک و معینی هستند که یکی از آن‌ها "پاسخگویی" است. تعاریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت می‌باشند (مثلاً پارکینسون ۱۹۹۴ یا لاپرا و همکاران ۱۹۹۸). این تعاریف اساساً برای مقایسه بین کشوری مناسب هستند و قوانین هر کشور نقش تعیین‌کننده ای در سیستم حاکمیت شرکتی دارد.

و در تعاریف گسترده‌تر حاکمیت شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیع‌تری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تأکید دارند. تعاریف تری‌گر (۱۹۸۴)، مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مانکز و مینو (۱۹۹۵) که به گروه بیشتری از ذینفعان تأکید دارند از مقبولیت بیشتری نزد صاحب‌نظران برخوردار است. تعاریف گسترده‌تر نشان می‌دهند که شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آیند و منابع طبیعی (محیط زسیت) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی در حقیقت موانع و اهرم‌های تعادل‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت‌ها است که تضمین می‌کند آن‌ها مسئولانه عمل کنند. همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذینفعان برآورده کرد، چون شرکت‌هایی که در برابر تمام ذینفعان مسئول می‌باشند در درازمدت موفق و با رونق‌تر هستند. شرکت‌ها می‌توانند ارزش‌آفرینی خود را در درازمدت افزایش دهند و این کار را با انجام مسئولیت خود در برابر تمام ذینفعان و با بهینه‌سازی سیستم حاکمیت خود می کنند. این دیدگاه مورد تأکید اکثر متون علمی است. تحقیقات تجربی (سالمون و سالمون ۲۰۰۴) مؤید این دیدگاه است که عملکرد مالی شرکت‌ها با اعمال حق حاکمیت شرکتی آن‌ها رابطه مثبتی دارد و مدیران بهتر، موجب حاکمیت شرکتی بهتری می‌شوند و به ذینفعان خود توجه می‌کنند. همچنین مدیران بهتر شرکت‌ها را مؤثرتر کنترل می‌کنند و بازده مالی بیشتری را تولید می‌کنند(حساس یگانه و کاظمی، ۱۳۸۶).

حاکمیت شرکتی سیستمی است که توسط آن شرکت‌ها در حال کارگردانی و کنترل سازمان هستند و این فرآیند شامل ساز و کارهای نظارتی در بازار، نقش و روابط بین مدیریت یک شرکت، هیأت مدیره آن، سهامداران خود و سایر ذینفعان و اهداف که برای آن است شرکت اداره می‌باشد. شرکت‌های فعال در بخش کسب و کار در دنیای معاصر، گروه اصلی ذینفعان خارجی شامل سهامداران، بدهکاران تجاری، طلبکاران تجاری، تأمین‌کنندگان، مشتریان و جوامع تحت تأثیر فعالیت‌های شرکت است. ذینفعان داخلی هیأت مدیره، مدیران و کارکنان دیگر می‌باشند(بارکت، ۲۰۱۰).

۶-مفهوم راهبری شرکت

تعریف های موجود از راهبری شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاههای محدود در یک سو و دیدگاههای گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاههای محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می‌توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود.

تعریفهای محدود، متمرکز بر قابلیتهای سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت است (مثلاً پارکینسون ۱۹۹۴)؛ تعاریف محدود اساساً برای مقایسه میان کشورها مناسبند و قوانین هر کشور نقش تعیین کننده‌ای در سیستم راهبری شرکتی دارد.

تعریف های گسترده‌تر راهبری شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیعتری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تاکید دارند. تعریفهای تریگر (۱۹۸۴)، مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مانگز و نل مینو (۱۹۹۵) که به گروه بیشتری از ذینفعان تاکید دارند، از مقبولیت بیشتری نزد صاحبنظران برخوردارند. تعریفهای گسترده‌تر نشان می‌دهند که شرکت ها در برابر کل جامعه، نسلهای آینده و منابع طبیعی (محیط‌زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم راهبری شرکتی موانع و اهرمهای تعادل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت هاست که تضمین می‌کند، آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذینفعان انجام می‌دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می‌کنند؛ همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با درنظر گرفتن منافع ذینفعان برآورده کرد.

www.SID.ir

بیان چند تعریف از راهبری شرکتی از میان صدها تعریف مطرح شده خالی از فایده نیست و می‌تواند برای ارائه تعریفی جامع و کامل از راهبری شرکتی به کار آید. این تعریفها از نگاهی محدود و در عین حال توصیف کننده نقش اساسی راهبری شرکتی آغاز می‌شود (کادبری ۱۹۹۲)، در میانه بر یک دیدگاه انحصاراً مالی که به موضوع روابط سهامداران و مدیریت (پارکینسون ۱۹۹۴) تاکید می کند، می رسد و سرانجام به تعریفی گسترده‌تر خاتمه می‌یابد که پاسخگویی شرکتی را در برابر ذینفعان و جامعه دربرمی‌گیرد (تریگر ۱۹۸۴):

۱. کادبری در سال ۱۹۹۲ راهبری شرکتی را چنین بیان می‌کند:" سیستمی که شرکت ها با آن هدایت و کنترل می شوند."

۲. راهبری شرکتی عبارتست از... فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران (پارکینسون ۱۹۹۴).

۳. رابطهٔ بین سهامداران و شرکت های آنان و روشی که سهامداران به کمک آن، مدیران را به بهترین عملکرد تشویق میکنند (مثلا با رای گیری در مجامع عمومی و جلسات منظم با مدیر ارشد شرکت ها) (کتابچهٔ راهبری شرکتی بریتانیا، ۱۹۹۶).

۴.کیزی و رایت در سال ۱۹۹۳ نوشته اند:"راهبری شرکتی عبارت است از: ساختارها، فرایندها، فرهنگ ها و سیستم هایی که عملیات موفق سازمان را فراهم کنند."

۵. ابزاری که هر اجتماع، به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا، راهبری شرکتی عبارت است از روابط میان گروههای مختلف در تعیین جهت گیری و عملکرد شرکت. گروههای اصلی عبارتند از: سهامداران، مدیرعامل و هیئت مدیره. سایر گروهها شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع (رابرت مانکز و نل مینو،۱۹۹۵).

۶. سیستم راهبری شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روش هایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند شرکت ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند (مگینسون ۱۹۹۴).

۷. راهبری شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذینفعان شرکت (اجتماع) نیز مربوط است (تریگر ۱۹۸۴).

اهمیت راهبری شرکتی در جهان به آن حد است که موسسه رتبه بندیstandard & poor معیارهای چهار گانه زیر را برای سنجش وضعیت راهبری شرکتی معرفی کرده است:

۱- ساختار مالکیت[1]

۲- روابط ذینفعان مالی[2]

۳- ساختار و عملکرد هیئت مدیره [3]

۴- پاسخگویی شفافیت و افشای اطلاعات[4]

۷- مدیریت ریسک در شرکت های بیمه

تغییرات پویایی که امروزه سازمان ها را در درون و بیرون تحت تأثیر قرار می دهند، تهدیدها و فرصت هایی را برای سازمان خلق می کنند و منجر به تغییر شکل و شیوه کسب وکار می شوند. بنابراین حیات و سودآوری سازمان ها در شرایط پرتلاطم امروزی به توانمندی آنها در رویارویی با تغییرات سریع محیط و بهره برداری از فرصت های خلق شده دارد، تحقق این مهم جز در سایه به کارگیری فنون مدیریت ریسک بنگاه که یک نگاه کل نگر به مدیریت تهدیدها و فرصت ها در عرصه سازمان دارد ممکن نخواهد بود.(بارکت، ۲۰۱۰)

باتوجه به رشد رقابت میان سازمان های امروزی و تهدیدها و فرصت هایی که امروزه همه سازمان ها را تهدید می کند و این تهدیدات ممکن است به شکست سازمان بی انجامد .عوامل این شکست ها مهمترین ریسک هایی هستند که سازمان ها را تهدید می کنند و مدیران باید به فکر راه هایی برای کاهش این ریسک ها باشند. سازمان های تجاری در صنایع مختلف، مدیریت ریسک جامع بنگاه را به عنوان پارادایمی برای کاهش هدررفتن درآمدها و حفظ مزیت های رقابتی مورد بررسی قرارداده اند(والکر، ۲۰۰۶). مدیریت ریسک جامع بنگاه شامل پیش بینی و مدیریت ریسک های تجاری قبل از رخ دادن مسأله و پاسخ گویی به آن واکنش به تهدیدات بعد از زمانی است که خسارت قبلاً رخ داده است.

در شرکت های بیمه با توجه به درهم تنیده شدن ریسک های بنگاه جهت ارزیابی و کنترل و انتقال این ریسک ها از جمله ریسک های مالی، ریسک صدور، ریسک تورم، ریسک رقبا، ریسک محیطی، ریسک های طبیعی و ریسک های تازه و نوظهور و سایر ریسک ها نیازمند هیئت مدیره ای با حضور افرادی خاص با ویژگی ها، توانایی و قابلیت های خاصی می باشد. این افرادباید در

1 Ownership structure
2 Financial stakeholder Relation
3 Board Structure process
4 and Financial Transparency Information Disclosure

www.SID.ir

راهبرد و اداره امورسازمان و در شناسایی و ارزیابی و کنترل و مواجه با ریسک و خطر باید تخصص و تجربه کافی داشته باشند .بدون وجود ابزارهای نوین و سازوکارها و ساختار مدیریت ریسک و بدون تدوین راهبردهای اساسی سازمان در برخورد و مواجهه با ریسک توسط راهبران شرکت هیچ گونه موفقیتی حاصل نخواهد شد.

بسیاری از فعالان حوزه بیمه مقوله ریسک را در ابعادی چون ریسک فیزیکی، ریسک های مرتبط با دارایی ها و یا نهایتاً ریسک های اقتصادی مورد بررسی قرار می دهند. درصورتی که وجود سازمان به عنوان یک مجموعه متشکل از افراد در چارچوب ساختارهای سازمانی همراه با ابعاد دیگری از ریسک نیز می باشد. ارائه دیدگاهی جامع از ریسک، نقش سازمان به عنوان محملی برای مواجهه با انواع ریسک ها به ویژه در سازمان های فعال در صنعت بیمه، ضرورت مطالعه ریسک و ترکیب آن با مسائل سازمانی را فزاینده کرده است. در روند جاری ریسک بازار دیگر قدمت، سرمایه، حمایت دولت بدون استقرار ریسک استراتژیک و لحاظ نمودن ابعاد حاکمیت شرکتی و استفاده بهینه از ابزارهای نوین ریسک میسر نخواهد شد(اسماعیلی و حنیفه زاده، ۱۳۹۵).

۸- تلفیق حاکمیت شرکت و مدیریت ریسک

شرکت های بیمه از مؤسساتی هستند که لزوم رعایت اصول حاکمیت شرکتی در آنها انکارناپذیر است. در مؤسسات مالی مانند بانک و بیمه که به نحوی جریان فعالیت شان براساس بازده نقدینگی یا سرمایه گذاری افرادی است که در فهرست سهامداران شرکت نیستند، حاکمیت شرکتی نقش مؤثرتری را ایفا می کند .حاکمیت شرکتی عاملی است که می تواند باعث بهبود عملکرد شرکت شده و برخی سازوکارهای مختلف آن عبارتند از: (سرمایه گذاران نهادی، مدیران غیراجرایی، حسابرسی مستقل شرکت، کنترل های داخلی، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی و...) در راستای برقراری سازوکارهای داخلی، حاکمیت شرکتی، جدایی نقش رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل، عاملی اساسی و حیاتی است(لین و مینگ، ۲۰۰۹) و هرچه سازوکارهای حاکمیت شرکتی ضعیف تر باشد، امکان ترکیب نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره بیش تر می گردد(هدیب و کوک، ۲۰۰۵).

تا به حال، پژوهشهای متعددی عوامل موثر بر ریسک شرکت را بررسی کرده اند که یکی از عوامل مورد بررسی حاکمیت شرکتی است(نیکبخت و طاهری، ۱۳۹۳؛ صمدی وهمکاران، ۱۳۸۶). از این روی بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک ارتباط نزدیکی وجود دارد که میتواند به سادگی قابل فهم باشد. با تدوین استانداردهای مناسب و قوی برای حاکمیت شرکتی میتوان فرآیند مدیریت ریسک را بهبود بخشید و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم های داخلی میتوان از تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی اطمینان حاصل نمود؛ بنابراین با توجه به اهمیت مدیریت ریسک در شرکت و تاثیری که حاکمیت شرکتی بر آن دارد، شناسایی عوامل موثر بر این رابطه می تواند ما را در مدیریت ریسک شرکتی و طراحی مناسب مکانیسم های حاکمیت شرکتی کمک کند(ترشیزی بزاززاده، ۱۳۹۷).

تلفیق اصول اصلی حاکمیت شرکتی با مدیریت ریسک بنگاه در رابطه با عملیات بیمه گری شرکت های بیمه و استقرار ابزارهای نوین مدیریت ریسک استراتژیک، باتوجه به اینکه شرکت های بیمه بیش از سایر شرکت ها در معرض خطر قراردارند، در هدایت و اداره امور بهینه و افزایش کارایی و بازده شرکت های بیمه نقش تعیین کننده ای دارد. بدون درنظرگرفتن ریسک و به کارگیری یک نظام جامع و سازوکارهای نظارت و کنترل ریسک، هیچ برنامه ریزی کوتاه مدت و استراتژیک در شرکت های با موفقیت روبرونشده و به شکست خواهد انجامید. در دهه اخیرافزایش علاقه مندی به تمرکز بر رویه های مدیریت ریسک را می توان حاصل سه عامل زیر دانست: اولاً، افزایش علاقه مندی به راهبری شرکتی و تمرکز هیئت مدیره شرکت ها برای شناسایی، ارزیابی، برخورد و پایش ریسک ها و هم چنین سنجش اثربخشی کنترل های مدیریت برای مدیریت ریسک؛ روند جهانی قانون گذاری دولت ها با استفاده از رویکردهای قانون گذاری مبتنی بر ریسک که بر سازوکارهای کنترل داخلی دقیق تر تمرکز دارند. نمونه ی این شیوه ی قانون گذاری را می توان در تصویب قانون ساربنز آکسلی 2002 ایالات متحده و آیین نامه ی راهبری شرکتی بریتانیا مشاهده کرد. عامل سوم؛ تقویت افشای رسوایی ها در رسانه ها است با این وجود برخی از صاحب نظران مثل کسپرسون و همکاران (۲۰۰۳) بر این نکته تأکید گذاشته اند که این دیدگاه باید با احتیاط به کار گرفته شود.

۹- راهبری شرکت و ریسک

تئوری نمایندگی بیان می کند که ناقرینگی اطلاعاتی بین مدیران و مالکان میتواند از راه سازوکارهای پایشگری که توان تحت تاثیر قرار دادن میزان افشا را دارند، کاهش یابد. این موضوع قابل گسترش به روابط بین سهامداران خرد و عمده نیز می باشد(فیلاتوتچو[1] و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از سازوکارهای مهم پایش، راهبری شرکتی است. راهبری شرکتی در مورد روابط بین مدیریت، اعضای هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان است و ساختاری را فراهم می کند که از طریق آن هدفهای شرکت تنظیم

1 Filatotchev

www.SID.ir

و روشهای دستیابی به آن هدفها و نظارت بر عملکرد تعیین میشود. سازوکارهای مختلف راهبری شرکتی وجود دارد که در حالت کلی به دو دسته درون شرکتی(از قبیل هیات مدیره، مدیران اجرایی، گروههای کنترلی داخلی و کدهای اخلاقی) و برون شرکتی(نظارت قانونی، بازار سرمایه، سهامداران عمده، سهامداران نهادی وحسابرسان مستقل) قابل تفکیک هستند(بانکز[1]، ۲۰۰۴). سازوکارهای راهبری شرکتی مناسب از یک سو به طور مستقیم عملیات شرکت را پایش می کنند و از سوی دیگر مدیران را به بهبود دیگر سازوکارهای پایش(از قبیل افشا)سوق می دهند (به آن اثر دومینو میگویند). به این ترتیب نقش پایشی راهبری شرکتی میتواند افشای شرکتها را متاثر ساخته(الشندیدی و نری، ۲۰۱۵) و آن را بهبود دهد. بر این اساس، ساختار راهبری شرکتی مدیران را برای پذیرش بهترین خط مشی های افشا ی ریسک تشویق میکند. پژوهشهای تجربی مختلفی رابطه افشا و اندازه هیات مدیره را بررسی کردند. الگرینی و گرکو (۲۰۱۳) و حسینی و النجار (۲۰۱۱) رابطه مصبتی وبین افشا و اندازه هیات مدیره یافتند. همچنین مختار و ملت (۲۰۱۳)، الشندیدی و نری(۲۰۱۵) نیز شواهدی مبنی بر رابطه مثبت بین اندازه هیات مدیره و افشای اختیاری ریسک ارائه کردند.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالب ذکرشده در بالا محرزاست که عدم توجه کافی به نقش راهبری های شرکت در شناسایی ارزیابی مدیریت ریسک با تدوین استراتژی مدیریت ریسک به عنوان چالش بزرگ و عاملی در ایجاد بحران مالی اخیر مطرح می باشد. بر همین اساس مجموعه گزارشات منتشره توسط نهادهای محقق در این حوزه نیز عملاً این موضوع را به اثبات رسانیده اند اما در حال آنچه می باید به صورت دقیق تر مورد توجه قرار گیرد. به منظور اعمال کنترل و مدیریت ریسک پیش رو در شرکت های بیمه توجه به ساده سازی فرآیندهای پیچیده می باشد که این امر اطمینان بخشی و اعمال کنترل های مربوط توسط حسابرسان و سایر ذینفعان را حسب مسئولیت های موجود دقیق تر و اجرایی تر می نماید. شفافیت و توسعه بازار بیمه و افزایش بازدهی و کارایی شرکت های بیمه در گرو استقرار صحیح نظام راهبری شرکتی در شرکت های بیمه می باشد. آشنایی هیئت مدیره شرکت های بیمه با ابزارهای نوین مدیریت ریسک و توانایی به کارگیری این ابزارهای نوین موفقیت شرکت های بیمه در فضای رقابتی کنونی راباعث خواهد شد. شرکت های بیمه بدون نظام راهبری بنگاهی مناسب و برنامه ریزی استراتژیک و استفاده از ابزارهای مدیریت استراتژیک نمی توانند در بازارهای داخل و خارج از کشور به موفقیت دست یابند.

پیشنهادات

۱- بیمه مرکزی به عنوان نهاد ناظر باید مقدمات و بسترهای لازم را از تمامی ابعاد جهت استقرار نظام راهبری شرکت های بیمه به عمل آورده و همچنین الزامات به کارگیری ابزارهای نوین مدیریت ریسک استراتژیک توسط هیئت مدیره شرکت های بیمه را تدوین و ابلاغ نماید.

۲- ساختار اداری و تشکیلاتی مدیریت ریسک باید در ساختار اداری شرکت های بیمه تبیین و گنجانده شود.

۳- تلاش دولت و نهاد ناظر در جهت استفاده از رویکردهای قانون گذاری مبتنی بر ریسک و تدوین وتصویب قوانین و مقررات لازم در این خصوص که بر سازوکارهای کنترل داخلی استوار بوده باشد

منابع

۱- اسماعیلی، محمد، حنیفه زاده، لطیف، ۱۳۹۵، حاکمیت شرکتی، راهبردها و ابزارهای نوین مدیریت ریسک استراتژیک در شرکت های بیمه، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش ملی بیمه

۲- بری گام، اوجین اف، گاپنسکی، لوئیس سی وآردی وز، فیلیپ،(۱۳۸۴). مدیریت مالی میانه،ترجمه:علی پارسائیان، تهران، انتشارات ترمه.

۳- بقایی حسین‌آبادی، علی،(۱۳۸۰). ریسک مبانی نظری، کاربردها وضرورت ادراک آن، تهران، مجله توسعه مدیریت، آبان ۱۳۸۰ ، ش۳۱.

۴- ترشیزی، علی، بزاززاده تربتی، حمیدرضا، ۱۳۹۷، رابطه بین حاکمیت شرکتی و ریسک شرکت، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۳

۵- حاجی آقایی، بهشاد،(۱۳۸۶)،"انواع ریسک وپوشش های آن"،تهران:تازه های اقتصاد، ۱۳۸۷ سال ششم، شماره ۱۲۲،صص: ۵۸-۶۵.

1 Banks

www.SID.ir

۶- حساس یگانه، یحیی، کاظمی، حسین، ۱۳۸۶، حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک، حسابدار، شماره ۴۷
۷- صمدی، سعید، تیموری، هادی، ابزری، مهدی، ۱۳۸۶، بررسی عوامل موثر بر ریسک و بازده شرمایه گذاری در محصولات مالی، روند، شماره ۵۵
8- Allegrini, M. & Greco, G. (2013). Corporate boards, audit committees and voluntary disclosure: Evidence from Italian listed companies. Journal of Management and Governance, 17(1): 187– 216.
9- Anginer, D., DEMIRGUC-KUNT, A., Huizinga, H., & MA, K. (2016). Corporate Governance and Bank Capitalization Strategies. Journal of Financial Intermediation, 26, 1–27. https://doi.org/10.1016/j.jfi.2015.12.002
10- Burkett, j., cheslawski, j., Kirschner, G.,.Pratt, T.J. and Ranjelova, D., 2010. Holistic .approach to setting Risk limits ERM for.the Masses', Casualty Actuarial society
11- Choudhary, K., & Choudhary, S. (2010). Testing Capital Asset Pricing Model: Empirical Evidences from Indian Equity Market. Eurasian Journal of Business and Economics, Vol. 3, No. 6, pp. 127-138.
12- Elshandidy, T., I. Fraser, and K. Hussainey. (2013). Aggregated, Voluntary, and Mandatory Risk Disclosure Incentives: Evidence from UK FTSE All-share Companies. International Review of Financial Analysis, 30: 320–333.
13- Filatotchev, I., Jackson, G., & Nakajima, C. (2013). Corporate governance and national institutions: A review and emerging research agenda. Asia Pacific Journal of Management, 30(4), 965– 986.
14- Peni, E., & Vahamaa, S. (2012). Did Good Corporate Governance Improve Bank Performance during the Financial Crisis ? Journal of Financial Services Research, 41, 19–35.
15- Soureh, H., Amanollahi, G. (2017), Comparative evaluation of fuzzy logic and genetic algorithms models for portfolio optimization. Management Science Letters, 7(5), 247-254.

www.SID.ir

www.SID.ir